

تاملی در گرایشهای نظری جنبش کارگری

تشکل و سازمان یابی کارگران

کمسیون کارگری

با شکست حقارت بار اصلاح طلبان حکومتی و جنبش اصلاحات « جنبش متلاطم مردم ایران وارد فاز جدیدی گردیده و جوش خروش آن شتاب روزافزونی یافته است .

ویژه گی امروز ایران از یک سوی بیانگر گسترده گی ، عمق و چاره ناپذیری بحران ساختاری اقتصاد سرمایه داری ایران و جایگاه آن در نظام بحران زده سرمایه داری جهانی است و از سوی دیگر بیانگر شکست تمهیدات بورژوازی پیش و پس از انقلاب برای رفع و یا کاهش بحران ساختار اقتصادی سرمایه داری است .

اما طبقه کارگر ایران چگونه می تواند از موضع تدافعی امروز خارج و بر تحولات کنار زدن و برچیدن بساط بختک جمهوری اسلامی مهر خود را نقش بزند . و در مبارزات مردم بر علیه استبداد و برای آزادی و دموکراسی و سایر مطالبات انباشته شده توده ها برابر نهاد خود را ارائه و برای رهائی خود و جامعه نقش شایسته خود را ایفا کند .

اقدامات کارگران در سال گذشته در جهت پی ریزی تشکل های آزاد، و از جمله تولد کمیته « پیگیری ایجاد تشکل های مستقل کارگری » و همچنین انتشار بیانیه از سوی این کمیته و امضا بیانیه کمیته از جانب بیش از چندین هزار فعال کارگری ، اقدامی خجسته مبارک و امیدوار کننده است . و می تواند گامی در راستای پاسخ به خواست ها و مطالبات مزد و حقوق بگیران کشور مان باشد .

در ضرورت چنین اقداماتی همین بس که اصلی ترین دلیل ناکامی های کارگران با توجه به حجم و کمیت و توانایی و سطح مبارزه جاری آنان ، پراکندگی و غیر متشکل بودن آنهاست . بعبارت دیگر مبارزه کارگران از تشکل مستقل و توده ای بر خوردار نیست . و با اینکه مبارزه کارگران ایران در شرایط کنونی از یک مبارزه متشکل ، سازمان یافته ، فراگیر چندین گام فاصله دارد . بدین خاطر کارگران باید در اندازه و مقیاس توده ای متحد و متشکل شوند .

از یک نگاه می توان سه نظر و دید گاه درباره تشکل های کارگری در میان جنبش کارگری را از یکدیگر متمایز دانست . که هر کدام افق ، سیاست ، و استراتژی متناظر با خود را بیان می کنند .

۱ - جنبش اتحادیه ای و سندیکالیسم

۲ - جنبش شورایی

۳ - « تشکل کارگری به مثابه جنبش اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه داری » .

اتحادیه ، تشکل مستقل کارگری

گرایش ایجاد تشکل هایی برای مطالبات صنفی - اقتصادی « Trade union » طبقه کارگر خود بصورت طیف گسترده ای است . از نظر گاه برخی از معتقدان به جنبش اتحادیه ای ، در مقطع فعلی مهمترین مساله جنبش کارگری ایران ایجاد تشکل های مستقل صنفی - اقتصادی است . بعبارت دیگر اتحادیه ، موضوع ایجاد تشکل هایی برای سازمان دهی مبارزات و مطالبات اقتصادی طبقه کارگر است . و نیاز حیاتی و فوری طبقه کارگر است . همچنین ذات مبارزه اقتصادی ، دفاع از سطح معیشت کارگران را بازمی تاباند . اتحادیه در دنیای سرمایه داری بمعنای سازمانیابی کارگران بعنوان فروشنده نیروی کار ، برای مذاکره و مبارزه و تقابل با خریدار نیروی کار است . اتحادیه تشکلی است که از حقوق فروشندهگان نیروی کار دفاع می کند . این نوع از سازمان یابی کارگران بیانگر مبارزه طبقه کارگر در عرصه اقتصادی است . این نوع تشکل ، مبارزه ای عمدتاً موردی و مشخص و محدود را پیش می برد . اگرچه اصولاً ذات و خصلت این مبارزه اقتصادی است ولی بلافاصله باید تاکید کرد که اولاً نباید آنرا به معنای غیر سیاسی بودن این مبارزه تلقی کرد و دیوار چین آنها را از هم جدا نمی کند . بعبارت دیگر مبارزه صنفی - اقتصادی لازم است ولی کافی نیست . و ثانیاً به هیچ وجه نافی مبارزه سیاسی این طبقه نخواهد بود . باید تاکید کرد که هرگاه مبارزه اقتصادی بتواند به مبارزه ای در سطح ملی و در تقابل دو طبقه اصلی جامعه فرابروید و تحول یابد به مبارزه ای سیاسی بدل شده است .

در نگاهی عمیق تر، این دیدگاه مبارزه اقتصادی ، هدف ایجاد و برقراری اتحاد بین کارگران را از پایین ترین لایه های طبقه مورد توجه قرار می دهد . حصول این اتحاد تنها از طریق تامین منافع مشخص ، شفاف، موردی و ملموس فرد فرد کارگران در یک تجمع بزرگ قابل دست یابی و ممکن خواهد بود . و بنابراین اتحادیه توده کارگران را از حالت تفرق و انفراد و تمیزه شده خارج می کند و به یک گروه اجتماعی دارای موضع معین، ملموس و واحد بدل می کند . قابل تاکید است که از طریق اتحادیه تمایل و گرایش به وحدت در میان کارگران بر رقابت و عوامل موجد و گسترش آن غلبه خواهد یافت . باید افزود که سازمان یابی کارگران در حوزه اقتصاد بسیار آسان تر است . و می توان گفت که تنها در عرصه مبارزه اقتصادی است که می توان بیشترین تعداد کارگران را سازمان داد . باید تاکید کرد که در هر شرایطی

نفس مبارزه سازمان یافته و متشکل، نماد و بیانگر رشد، بلوغ و ثبات سیاسی طبقه کارگر است .

تشکل مستقل به این مفهوم خواهد بود که کارگران با شرکت داوطلبانه، آزادانه، آگاهانه، خود آن را بوجود می آورند و با توجه به ساختار آن که از کارکردی دموکراتیک برخوردار است، بهیچ وجه وابسته و یا تحت اتوریته سیاسی و حقوقی دولت و یا احزاب قرار نخواهد گرفت . این دیدگاه بر آن است که تشکل های کارگری در سه زمینه باید دارای استقلال باشند: ۱ - استقلال از دولت . ۲ - استقلال از کارفرمایان ۳ - استقلال از احزاب سیاسی چه احزاب راست و چه احزاب چپ .

اساس جنبش اتحادیه ای بر بنیاد پذیرش مناسبات کار مزدی و تمکین بر روابط استثمار از سوی کارگران استوار است . و بنابراین مبارزه اتحادیه ای ذاتاً دارای محدودیت است و عرصه مبارزه آن دفاع از سطح معیشت کارگران خواهد بود .

اتحادیه طبقاتی - توده ای سوسیالیستی :

بخش دیگری از طرفداران اتحادیه گرایی در جنبش کارگری ضمن اذعان به اینکه در مقطع فعلی مساله ایجاد تشکل های صنفی موضوعی حیاتی و فوری برای جنبش کارگری است، بر این باورند که باید به ایجاد تشکل های صنفی - طبقاتی اقدام ورزید . چرا که در ایران امروز پایه ای ترین روندی که جنبش اصلاحات سیاسی (بورژوازی) را می سازد ، سرمایه داری جهانی است که به جهان گسترده (گلوبالیزاسیون) معروف گردیده است . البته جنبش اصلاحات سیاسی (بورژوازی) را نباید معادل جنبش دوم خرداد انگاشت . همچنین باید برنامه بانک جهانی (طرح انطباق ساختاری) در کشورهایی مانند کشور ما که رفتن از مدل اقتصادی دولت محور به سمت اقتصاد بازار محور و نیاز شدید به سرمایه خارجی است ، مورد توجه قرار گیرد .

بر این اساس برای کار کرد عملی اقتصاد ایران ، ادغام آن در بازار جهانی یک ضرورت اقتصادی است . همین ضرورت موجب می گردد تا بورژوازی ایران و صاحبان صنایع در قدرت سیاسی دخیل باشند و نمایندگی شوند . یعنی در همین سیستم فعلی و در همین رژیم جمهوری اسلامی (که قیم بورژوازی است) به قدرت سیاسی دسترسی داشته باشند تا به اصطلاح افق های بلند خود را برای سرمایه گذاری بدست آورند . جنبش بورژوازی ایران می خواهد بتدریج پروسه اصلاحات سیاسی را در این رژیم دنبال کند . و بهمین دلیل محتوای این جنبش و رابطه اش با جنبش کارگران موضوعی است که باید بعنوان پایه ارزیابی از چشم اندازهای جنبش کارگری قرار گیرد .

یک خصلت این دوره این است که سرمایه داری ایران واقعا به نوعی تشکل کارگری نیاز دارد . یعنی نوعی از تشکل های کارگری که با همین دیدگاه جامعه مدنی ، دیدگاه « وبری » بر اساس هارمونی و سازش طبقاتی بتواند

به باور طرفداران نظریه جنبش شورائی اصولاً دوره اتحادیه‌گرایی در جنبش کارگری جهان و در ایران تاریخاً سپری شده و اتحادیه‌ها از نظر محتوایی و برنامه‌ای بصورت مانعی در مقابل ایجاد تشکل توده‌ای و سراسری کارگری با پلاتفرم و برنامه طبقاتی ضد سرمایه‌داری عمل می‌کنند. تشکل شورائی بمعنای تشکیلاتی سراسری، توده‌ای و غیربوروکراتیک متکی به مجامع عمومی و در برگزیده تمام عرصه‌های مبارزه طبقاتی است. این دیدگاه بر این باور است که گرایش کمونیستی، سازمان‌یابی یا مضمون سندیکالیستی و اتحادیه‌گرایی را حتی اگر توسط خود کارگران ایجاد شده باشد، مورد تأیید قرار نمی‌دهد. بلکه آنرا نقد می‌کند. و تمام توان خود را بصورت‌های سیاسی، تبلیغی، ترویجی و در جهت اقناع طبقه، برای جایگزینی اتحادیه‌ها با شوراهای واقعی بکار می‌گیرد و با تمامی امکانات در تغییر اتحادیه‌گرایی به طرف شورا و جنبش شورائی تلاش می‌کند.

این دیدگاه اذعان می‌کند که صرف تمایل و حمایت کارگران از اتحادیه‌سازی، هیچ حقانیتی از زاویه کمونیستی برای آن ایجاد نمی‌شود. زیرا این تمایل نه از سر آگاهی طبقاتی پرولتاریا که نشان از نفوذ و تسلط فکری، فرهنگی و سیاسی بورژوازی بر جنبش کارگری خواهد بود.

تشکل کارگری به مثابه جنبش اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه‌داری :

از منظر این دیدگاه، مدت‌هاست که اتحادیه‌های کارگری (Trade union) زیر نفوذ اندیشه و سیطره کامل احزاب بورژوازی و مخصوصاً جناح چپ آن قرار دارند و امکان فعالیت عناصر رادیکال و ضد سرمایه‌داری برای تغییر فضای حاکم بر آن بسیار محدود و ناچیز است. در واقع رهبری اتحادیه‌ی کارگری خود بخشی از طبقه سرمایه‌داری است که وظیفه اصلی آن جلوگیری از نفوذ افکار ضد سرمایه‌داری و به ویژه سوسیالیستی در جنبش کارگری و مهار این جنبش و نگاهداشتن این جنبش در چارچوب منافع بورژوازی و برای تداوم استعمار کارگران است. این تشکل خود را سازمان غیر حزبی طبقه کارگر و برای مبارزه دائمی با سرمایه‌داری تعریف می‌کند و همچنین بیانگر تضاد عینی کار و سرمایه است. این تشکل از یک سو با حزب کمونیست و از سوی دیگر با اتحادیه‌های صنفی مرز دارد. عبارت دیگر "تشکل کارگری به مثابه جنبش اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه‌داری" حزب کمونیست نمی‌باشد و به همین دلیل بدیل سیاسی اقتصادی خاصی مانند سوسیالیسم را در مقابل سرمایه‌داری قرار نمی‌دهد. و در نتیجه همه کارگران کمونیست و ضد سرمایه‌داری را در بر می‌گیرد. این تشکل علیرغم اینکه بر مبنای مبارزه صنفی - اقتصادی شکل می‌گیرد، اما در این حد توقف نمی‌کند و در ادامه حرکت از چارچوب سرمایه‌داری فراتر می‌رود و برای لغای کار مزدی مبارزه می‌کند. این تشکل پیگیر تر از هر تشکل دیگری خواست‌های صنفی - اقتصادی کارگران را دنبال می‌کند. اما مبارزه کارگران را به این خواست‌ها محدود نمی‌کند. بلکه فعالانه در سیاست دخالت می‌کند مفهوم استقلال در این دیدگاه فقط بمعنای استقلال این تشکل‌ها از دولت خواهد بود.

کارگری - توده‌ای بازتاب واقعیت جنبش کارگری است، معتقد است که باید به درک روشن از تشکل مستقل کارگری در رابطه با مفهوم استقلال طبقاتی توجه کرد. از منظر این دیدگاه استقلال طبقاتی بمعنای، اهداف، تدابیر، سیاست، راه حل‌ها، برنامه عمل، و سمت‌گیری هائی است که هویت مستقل طبقه کارگر را در مقابل طبقه سرمایه‌دار قرار می‌دهد.

فقدان درک اصولی و روشن از این مقولات می‌تواند باعث تقویت گرایش‌های بورژوازی و غیر کارگری در میان جنبش کارگری شده و از پیشروی این جنبش ممانعت بعمل آورد. این دیدگاه با تعریف خود به عنوان نگرش و گرایش کمونیستی خواستار سازمان‌یابی طبقه کارگر بر پایه مفهوم استقلال طبقاتی است. و بر اساس آن فقط تشکل شورائی را پاسخگوی مساله سازمان‌یابی طبقه کارگر می‌داند. تشکل شورائی، آن نهاد یا تشکل توده‌ای - کارگری است که در شکل و کیفیت با ویژگی و تمایز برجسته بساط سرمایه و فروش نیروی کار و زیرو رو کردن مناسبات کار مزدی بر پا می‌شود. و از همین منظر، مضمون مطالبات روزمره جنبش کارگری را دنبال می‌کند. نتیجتاً در چنین تشکلی شکل و فرم تشکل بیانگر و مصداق سیاست‌ها، اهداف، و محتوای تشکل مستقل خواهد بود. بر اساس این نظر در مقاطع مختلف مبارزه طبقاتی، خواست‌های اقتصادی و یا سیاسی و یا توأمان می‌تواند برای بسیج مبارزات کارگری عمده شوند. ولی همواره مبارزه اقتصادی طبقه کارگر از مبارزه سیاسی جدائی‌ناپذیر است.

در شرایط متعارف، چه مبارزات طبقه کارگر افت کرده باشد و یا این که در موضع تدافعی ادامه یابد. بیانگر آن است که مبارزات طبقه کارگر یا با سرکوب مستقیم و مستمر، و یا با نفوذ گرایش‌های بورژوائی در مضمون، سازمان‌یافته و مبارزات کارگری تحت کنترل و هدایت نظم سرمایه در آمده است و از همین رو مبارزات اقتصادی و سیاسی، ظاهراً جنبه جداگانه یافته‌اند. در این حالت هر تشکلی که پیشنهاد شود و یا سازمان، یافته باشد، توجیه‌گر این انفصال ظاهری و برای تأمین آن است. از این رو جریان‌های بورژوازی و همچنین گرایش‌های رفرمیستی درون جنبش کارگری بر مبارزه اقتصادی و تشکل‌های صنفی اصرار می‌ورزند تا از این طریق جنبه سیاسی مبارزات کارگری که تحت تأثیر اهداف و سیاست سرمایه‌داری قرار گرفته است، پنهان بماند. تشکل شورائی، جنبش تغییر وضعیت فعلی است و استراتژی فراتر رفتن از چهار چوب سرمایه‌داری را مد نظر دارد. و بر عکس اتحادیه‌ها آنجا که با بسیج کارگران، مبارزه جویانه در تحولات سیاسی نقش داشته‌اند، فقط باعث جابجائی نمایندگان بورژوازی در قدرت سیاسی شده‌اند.

در همکاری با سرمایه‌کار کند. تشکل‌های واقعی کارگری که خود داوطلبانه خواهان سازش کار و سرمایه باشند یعنی (Enterprise unionism). از آنجا که گسترش و پیشروی تحولات موسوم به اصلاحات سیاسی (بورژوازی) در ایران ممکن و میسر است، پیش شرط اصلی مشارکت بورژوازی در رژیم سیاسی حاکم این است که باید تضمینی وجود داشته باشد تا گشایش سیاسی رژیم منجر به حضور فعال کارگران و زحمتکشان در عرصه سیاست نگردد. بنابراین تأمین هژمونی بورژوازی بر جنبش کارگری همان پیش شرط و تضمین مشارکت مسقیم بورژوازی ایران در قدرت سیاسی خواهد بود. و جامعه مدنی بیان‌تئوریک تأمین هژمونی بورژوازی بر جنبش کارگری است. از این رو با تأمین هژمونی بورژوازی و تسلط بر جنبش کارگری، نیاز بورژوازی نه به تشکل‌های فرمایشی، که گرهی از کار آن باز نمی‌کند، بلکه ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری برای بخشی از کارگران ایران و مثلاً کارگران صنایع بزرگ میسر می‌گردد.

علاوه بر این با پذیرش جامعه مدنی طبقه کارگر یا بخش‌های پیشرو آن و همچنین رهبران آن تضمین عملی می‌دهند که علیه سرمایه‌داری مبارزه نکنند و این تشکل‌ها از نفوذ کمونیست‌ها و سایر گرایش‌های رادیکال دور خواهند ماند.

جنبش اتحادیه‌های بمنزله (Business unionism) اتحادیه‌های کسب و کار، اهداف خود راتنها در همکاری با سرمایه‌داری دنبال می‌کنند و بر این اساس با توجه به این که چشم‌انداز ایجاد چنین تشکل‌های مستقل کارگری زیر هژمونی سرمایه‌داری وجود دارد، برای جلوگیری از ایجاد اتحادیه‌هایی از نوع اتحادیه بمنزله Business، طبقه کارگر باید تشکل طبقاتی - توده‌ای - سوسیالیستی را بنا کند و صد البته برای پاسخ به خواست‌های صنفی - اقتصادی. از این نظر نگاه طبقه کارگر برای رسیدن به دموکراسی مورد نیازش حتی برای آن میزان که ایجاد اتحادیه‌های کارگری‌اش را ممکن کند، تنها به نیروی خودش می‌تواند اتکا کند و متحدین خود را در طبقات دیگر نمی‌تواند جستجو کند. و عبارتی مساله جامعه ایران نیز مساله پیشروی طبقه کارگر ایران است.

جنبش شورایی :

تشکل‌های شورائی، از نوع تشکل‌های هستند که موضوع قدرت سیاسی را هدف خود می‌دانند. و با دخالت‌گری اتحاد کارگران که در مکانیزم تشکل شورائی فراهم است از خطر بوروکراتیزم اتحادیه‌ها، مصون و در هر لحظه و در هر مورد تصمیم‌گیری، در معرض ارزیابی و نظارت و حسابرسی کارگران قرار می‌گیرد. این دیدگاه ضمن تأکید بر این مساله که شعار تشکل مستقل